

Reflection of the implementation of Ottoman law in Iraq on the social status of Iranian citizens living in the holy shrines; “Marriage and military service”

Soraya Shahsavari*

Abstract

With the development of diplomatic relations between the two governments of Iran and the Ottoman Empire in the nineteenth century, the presence of Iranians in the holy cities of Iraq also expanded. The Ottoman government did not have a positive attitude towards the presence of Iranians in Iraq. It tried to limit the conditions for the presence of Iranian citizens in Iraq by enforcing some political and social laws. Law on the Acceptance of Ottoman Citizenship, Prohibition of Iranians Marrying Ottoman Women, and Compulsory Military Service for Iranian-born Women Were among these goals. The reluctance of Iranian citizens to accept such laws imposed by the Ottoman government, on the one hand, and the strictness of Ottoman officials in enforcing them, on the other, were among the issues that made the situation of Iranian citizens living in Atbat al-Aliat in the nineteenth century difficult. To these issues, a complex diplomacy was established in the relations between Iran and the Ottoman Empire. In this research, a descriptive, analytical method based on documents and sources in the archives of the two countries of Iran and the Ottoman Empire answered the questions: What was the Ottoman government's approach to enforcing social laws in Iraq? Why did the Ottoman agents delay the implementation of these laws on Iranian citizens? The findings of the study indicate that the Ottoman

* Assistant professor of history, Payam noor university, Tehran, Iran, sry_shahsavari@yahoo.com

Date received: 26/03/2021, Date of acceptance: 03/07/2021



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

government in Iraq thought that the Iranian government was behind the scenes of Shiite political and religious activities in Iraq. There are Shiite political and religious groups in Iraq and the lack of monitoring of Iranian activities there will make the Iranian nation stronger and threaten the Ottoman identity in this part of the territory under their rule. They never had a favorable opinion of the presence of Iranians in the holy cities of Iraq. The application of social and legal laws among Iranian citizens was strengthened in line with this type of attitude.

Keywords: Citizenship, High Certificates, Marriage Prohibition, Military Service.

بازتاب اجرای قوانین عثمانی در عراق بر وضعیت اجتماعی اتباع ایرانی مقیم عتبات عالیات؛ «ازدواج و خدمت سربازی»

ثریا شهسواری*

چکیده

با ارتقاء روابط دیپلماتیک بین دو دولت ایران و عثمانی در قرن نوزدهم، میزان حضور ایرانیان هم در شهرهای مقدس عراق توسعه پیدا کرد. شرایط نابسامان سیاسی و اقتصادی ایران، جستجوی شغل و درآمد بهتر و گرایش‌های مذهبی مواردی بود، که در مهاجرت برخی از ایرانیان به عتبات عالیات تأثیر داشت. دولت عثمانی نسبت به حضور ایرانیان در عراق، نگرش مثبتی نداشت. سعی داشت با اعمال برخی قوانین سیاسی و اجتماعی، نفوذ ایرانیان در عراق را با محدودیت مواجه سازد. قانون ممنوعیت ازدواج ایرانیان با زنان عثمانی و خدمت سربازی اجباری برای متولدین ایرانی از زنان عثمانی در راستای این اهداف صورت گرفت. سرپیچی اتباع ایرانی در پذیرش این قوانین و سخت‌گیری ماموران عثمانی در اجرای آن، از مواردی بود که وضعیت اتباع ایرانی مقیم عتبات عالیات را در قرن نوزدهم با دشواری‌هایی روبرو کرد. رسیدگی به این مسائل، دیپلماسی پیچیده‌ای را در روابط ایران و عثمانی ایجاد کرد. در این پژوهش تلاش شده به روش تحلیلی با واکاوی اسناد و منابع موجود در بایگانی‌های دوکشور ایران و عثمانی به این سوالات پاسخ داد: رویکرد دولت عثمانی در اجرای قوانین اجتماعی در شهرهای مقدس عراق چه بود؟ چرا ماموران عثمانی در اجرای این قوانین بر اتباع ایرانی تأکید داشتند؟ یافته‌های پژوهش بیان‌گر آن است که دیدگاه دولت عثمانی در عراق با تصور براینکه دولت ایران در

* استادیار گروه تاریخ، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران، sry_shahsavari@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۰۶، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۱۲



Copyright © 2018, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

پشت‌صحنه فعالیت های سیاسی، مذهبی شیعیان در عراق قرار دارد. و عدم نظارت بر فعالیت های ایرانیان در عراق باعث قدرتمندتر شدن ملیت ایرانی در عراق و تهدید هویت عثمانی در این بخش از قلمرو تحت حاکمیت خود خواهد شد، هیچگاه نظر مساعدی به حضور ایرانیان در شهرهای مقدس عراق نداشتند. اعمال قوانین اجتماعی و حقوقی در میان اتباع ایرانی در راستای این نوع نگرش تقویت میشد.

کلیدواژه‌ها: تابعیت، عتبات عالیات، ممنوعیت ازدواج، خدمت سربازی.

۱. مقدمه

با وجود توافقات صورت گرفته و برقراری صلحی پایدار میان دو دولت ایران و عثمانی در قرن نوزدهم، عتبات عالیات همچنان از مسائل پرتنش میان دو کشور بود. تداوم حضور ایرانیان در شهرهای مقدس عراق و گسترده‌گی فعالیت های آنان به شیوه های مختلف باعث شد تا دولت عثمانی در نحوه اداره این بخش از حکومت خود اصلاحاتی انجام دهد. اتباع خارجی در نظر مردم، بسته به کشورشان دارای امتیازاتی بودند و کم‌وبیش توسط حکومتشان حمایت می شدند، این مسئله در مورد اروپائیان که آمد و شد کم‌تری داشتند شکل مربوط به خود را دارد. ولی در مورد ایران و عثمانی تا حدودی به دلیل رفت و آمد فراوان اتباع دو کشور به خصوص حضور جمع زیادی از ایرانیان در عراق شکل دیگری داشت. اتباع ایرانی در شهرهای مقدس عراق به روش سنتی زندگی می کردند. اصناف و کسبه ایرانی از پرداخت هر نوع مالیاتی به دولت عثمانی خودداری می کردند. بدون در نظر گرفتن قوانین عثمانی، برای خود تملک اختیار کرده. مسافران ایرانی در رفت و آمد به شهرهای مقدس عراق، در آنجا رحل اقامت می گزیدند و با شهروندان عثمانی رویر و می شدند. و با آنها ازدواج می کردند. به این ترتیب نفوذ ایرانیان در عراق توسعه پیدا کرده و شهرهای مقدس عراق بافت کاملاً ایرانی، شیعی به خود گرفت. به علاوه جایگاه علماء و مجتهدان شیعه ایرانی در عتبات، موقعیت اجتماعی و نفوذ بالای مذهبی آنها، که عموماً ایرانیان در شهرهای مقدس عراق مورد حمایت مادی و معنوی آنان بودند. مواردی بود که ملیت ایرانی را در عراق تقویت می کرد. دولت عثمانی نمی توانست نسبت به امور این بخش از قلمرو و خود بی تفاوت باشد. به علاوه نظر مساعدی نیز نسبت به حضور ایرانیان در عراق و شهرهای مقدس عراق نداشت. براساس بررسی های صورت گرفته بر روی اسناد موجود در بایگانیهای دو کشور ایران و عثمانی

سوال مهمی به این شکل مطرح میشود. چرا دولت عثمانی تلاش میکرد از نفوذ ایرانیان در عراق کاسته شود؟ تحلیل های صورت گرفته بیانگر این فرضیه است که دربار استانبول، دولت ایران را در حمایت و مساعدت گسترش تشیع در عراق، مسئول می دانست. و افزایش نفوذ ایرانیان در شهرهای مقدس عراق را یک نوع تهدید امنیتی در قلمرو خود قلمداد می کرد. از این رو با این رویکرد تلاش می کرد به بهانه مختلف از نفوذ و قدرت ایرانیان در عتبات بکاهد. لذا از اواسط قرن نوزدهم درصدد برآمد با اعمال برخی قوانین اجتماعی و حقوقی به اوضاع عراق سرو سامان بخشد. تابوتاند اداره امور این بخش از قلمرو خود را با ساختار سیاسی استانبول متمرکز سازد. در راستای این اهداف اصلاحاتی در عراق به ویژه در شهرهای مقدس از سوی کارگزاران عثمانی به اجراء درآمد. ابتدا در سال 1251 ه. ق. / 1835م قانون نامه تابعیت را منتشر کرد. و براساس آن کلیه اتباع ایرانی مقیم در عراق باید تابعیت عثمانی را می پذیرفتند. در غیر اینصورت نمیتوانستند صاحب ملک و دارایی شوند. و کسب و کار بر پا کنند. سپس قانون ممنوعیت ازدواج اتباع ایرانی با زنان عثمانی را مطرح کرد. با انتشار این قانون شرایط حضور ایرانیان در عراق بسیار دشوار شد. زیرا دولت عثمانی متولدین حاصل از ازدواج زنان عثمانی با مردان ایرانی را به عنوان اتباع عثمانی به رسمیت شناخته و فرزندان ذکور آنان می بایست به خدمت سربازی می رفتند. اعتراض دولت ایران به این قوانین مدتهای طولانی روابط دیپلماتیک ایران و عثمانی را تحت تاثیر قرار داد. به طوریکه از نیمه دوم قرن نوزدهم از اصلی ترین مسائل میان ایران و عثمانی به شمار می آمد. با تحلیل های صورت گرفته بر محتوا و مضمون اسناد و منابع برجای مانده در آرشیو بایگانیهای دو دولت ایران و عثمانی می توان به این نتیجه رسید، که بافت ناهمگون ترکیب جمعیتی عراق از دوجنبه مذهبی و قومیتی و سوء مدیریت و رفتارهای غیر عادلانه نمایندگان عثمانی در اجرای قوانین اعمال شده از سوی دربار استانبول، موجب شده که دولت عثمانی در پیشبرد اهداف خود در رابطه با اتباع ایرانی ساکن در شهرهای مقدس توفیق لازم را بدست نیاورد.

۱.۱ پیشینه پژوهش

طی چند سال اخیر، پژوهش های قابل ملاحظه ای در خصوص جایگاه عتبات عالیات در مناسبات ایران و عثمانی، از سوی پژوهشگران و نویسندگان حوزه تاریخ ایران و عثمانی

صورت گرفته است. از جمله کتاب «عتبات عالیات در روابط ایران و عثمانی قرن نوزدهم (با تاکید بر عصر عبدالحمید دوم)» تألیف رسول عربخانی (۱۳۹۳) است. که به بررسی تاثیر عتبات عالیات در مناسبات ایران و عثمانی اشاره دارد. مجموعه ۷ جلدی کتب اسنادی تحت عنوان «گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی»، به اهتمام وزارت امور خارجه و با تکیه بر اسناد مرکز اسناد و دیپلماسی وزارت امور خارجه صورت گرفته است، گزارشات با ارزشی را از مناسبات سیاسی، اجتماعی و حقوقی ایران و عثمانی ارائه می دهد. به ویژه مجلدات ۳ و ۵ (۱۳۷۰) و ۷ (۱۳۷۵) که عمدتاً بر اسناد مسئله عتبات عالیات و اتباع ایرانی مقیم شهرهای مقدس عراق اشاره دارد. به علاوه دکتر محمدرضا نصیری (۱۹۹۱) در کتاب «مناسبات ایران و عثمانی در زمان ناصرالدین شاه»، که به زبان ترکی در توکیو منتشر شده، به اوضاع ایرانیان مقیم عثمانی به ویژه اتباع ایرانی ساکن در عتبات عالیات و مسائل اجتماعی حقوقی آنها پرداخته است. همچنین در جلد سوم کتاب «اسناد و مکاتبات تاریخی ایران دوره قاجاریه» (۱۳۷۱) مجموعه ای از اسناد، نامه ها و معاهدات منعقد شده مابین ایران و عثمانی با تکیه بر مسئله عتبات عالیات و اتباع ایرانی ساکن در عتبات را گردآوری نموده است. در پژوهشهای صورت گرفته، به صورت کلی به بسیاری از مسائل و مشکلات ایرانیان در عتبات اشاره شده است. اما در هیچ یک از آثار و پژوهشهای یاد شده به طور مجزا و مستقل به موضوع مشکلات اتباع ایرانی مقیم عتبات عالیات پس از اجرای قوانین ممنوعیت ازدواج ایرانی با زنان عثمانی و نیز قانون خدمت سربازی اجباری برای متولدین از زنان عثمانی مطالبی درج نشده است. فقط به گزارش چند سند و یا شرح موافقات صورت گرفته مابین دو دولت و نظامنامه های منتشر شده از سوی ایران و عثمانی بسنده شده است.

پژوهش حاضر با امعان نظر تحقیقات پیشین، در تلاش است در راستای تکمیل آثار نویسندگان گذشته، فراتر از موضوع مسائل دو دولت ایران و عثمانی در شهرهای مقدس عراق، با ورود به جزئیات مشکلات اتباع ایرانی مقیم در عتبات عالیات پس از اجرای قوانین اجتماعی عثمانی در شهرهای مقدس عراق، چون ممنوعیت ازدواج زنان عثمانی با اتباع ایرانی و مکلف نمودن متولدین ذکور حاصل از این قبیل ازدواج ها به خدمت سربازی را مورد تحلیل و بررسی قرار دهد. و تاثیر آنها در روابط سیاسی ایران و عثمانی تبیین نماید.

۲. جمعیت ایرانیان در عتبات عالیات و مشکل تابعیت آنان

جمعیت ایرانیان که تخمین درستی از تعداد آنان در عتبات عالیات نیست، زیاد بودند. احتمالاً حدود ۱۵۰-۱۰۰ هزار نفر از جمعیت آن زمان منطقه را تشکیل می دادند. در گزارشی که کنسولگری ایران در کربلا در رمضان ۱۳۳۱ ه. ق / ۱۹۱۳ م اعلام کرده «در کربلا تقریباً به چهار هزار نفر از ایرانیان اقامت دارند. و هر ماه چند هزار نفر به عزم زیارت مشرف شده، مدتی می مانند و بعد مراجعت می کنند.» (بایگانی مرکز اسناد تاریخی وزارت امور خارجه ایران ۱۳۳۱ ه. ق، کارتن ۲۱، پرونده ۲۰) طبق گزارشات صورت گرفته به سال ۱۳۰۱ ه. ش / ۱۸۸۳ م در شهر نجف تنها ۵۴۰ نفر ایرانی صاحب تذکره، ساکن بودند، که بخش عمده آن را طلاب و روحانیونی تشکیل می دادند که مشغول تحصیل و تعلیم بودند. (بایگانی مرکز اسناد تاریخی وزارت امور خارجه ایران ۱۳۰۱ ه. ش، کارتن، ۲۵، پرونده ۲) آمارهای ارائه شده حدسی و نشانگر آن بود که شرایط برای آمارگیری دقیق فراهم نبود. گاه ایرانیان هویت ایرانی خود را آشکار نمی کردند و گاه به عکس ممکن بود یک خانواده عراقی خود را ایرانی معرفی کند. در این میان آمارهای روزنامه ای هم وجود داشت. روزنامه حبل المتین در سال ۱۳۲۹ ه. ق / ۱۹۱۰ م با اشاره به کمبود جراید فارسی در عراق اشاره کرده که در حال حاضر تنها یک روزنامه فارسی در نجف منتشر می شود، در حالیکه فعلاً در عراق صد هزار نفوس ایرانی وجود دارد. (حبل المتین ۱۳۲۹ ق، سال ۱۵، شماره ۵۲) براساس سرشماری عمومی که دولت عثمانی به سال ۱۳۱۹ ه. ق / ۱۹۰۱ م در کاظمین انجام داد. از میان ۷۳۹۰ نفر ساکن در آن شهر ۶۱۴۰ نفر از متولدان کاظمین، یک هزار نفر ایرانی، دویست تبعه انگلیسی و پنجاه نفر تبعه روس بودند. (موجانی ۱۳۸۹ به نقل از: سالنامه بغداد ۱۳۱۹ ق به شماره ۵۸۸ : ۲۰۷ موجود در بایگانی نخست وزیری ترکیه) همچنین اوین در سفرنامه اش نوشته است: «از جمعیت کاظمین به میزان ۷-۸ هزار نفر، دو سوم آنرا ایرانیان تشکیل می دهند.» (اوین ۱۳۶۲: ۳۷۰)

ایرانی های عتبات عالیات به چند دسته تقسیم می شدند: گروهی زواری بودند که به زیارت رفته و به دلیل فقر و احتیاج یا به قصد مجاورت در اماکن متبرکه در آنجا می ماندند. تعدادی تجار ایرانی بودند که به دلیل موقعیت مناسب تجارت بغداد و کاظمین و در شهرهای مقدس عراق اقامت می گزیدند. گروهی دیگر از آنان ساکنان پرشمار مناطق مجاور مرزی ایران بودند که در اثر فقر و فلاکت مناطق خود، ناچار به مهاجرت به عراق

عرب می‌شدند. تجمع گروه اخیر و یا به عبارت دیگر اکثریت اتباع ایرانی مشکلات عدیده ای را به دنبال داشت. به علاوه شرایط سخت نابسامان اقتصادی، قحطی و بیگاری عامل دیگری بود که سبب مهاجرت گروه گروه ایرانی به شهرهای مقدس عراق می شد که به نوشته آدمیت، با فعلگی بتوانند لقمه نانی بخورند. (آدمیت ۱۳۵۱: ۱۲۱) بنابه گزارش اسناد موجود در بایگانی وزارت امور خارجه ایران، در اواخر دوره قاجاریه بیش از پنجاه، شصت هزار نفر عمده ایرانی در ادارات مختلف، راه آهن سازی و بندر سازی و ساختمان‌های مختلفه و غیره موظف و مشغول کار بوده اند. به علاوه اغلب تجار معتبر ایران در بغداد، بصره و شهرهای دیگر سکنی نموده و همه ساله مبالغی با ایران تجارت و داد و ستد می نمایند. (بایگانی مرکز اسناد و دیپلماسی وزارت امور خارجه ۱۳۰۲ ش، کارتن ۱۷، پرونده ۲۰) افزایش نفوس ایرانیان در عتبات عالیات با اجرای قانون تابعیت دولت عثمانی وارد مرحله دیگری از مشکلات شد. دولت عثمانی در اواسط قرن نوزدهم اعلام کرد برای حفاظت از یکپارچگی قلمروش قانون تابعیت را در عراق اجرا میکند. بر اساس قانون نامه تابعیت عثمانی که از سال ۱۲۵۱ ه. ق / ۱۸۳۵ م اجرا شد. هر کسی احدی از والدینش تبعه عثمانی باشد، خود او تبعه عثمانی محسوب می شود. هر که پنج سال متصلاً در خاک عثمانی توقف نمود، حق مطالبه تبعیت عثمانی را خواهد داشت و به محض اظهار میل او به تبعیت عثمانی فوراً قبول خواهد شد. (گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی ۱۳۷۰: ۵ / ۲۴۶) به دنبال اجرای این قانون، حکومت عثمانی اولاد ایرانیان متولد شده از زنان عثمانی را تبعه خود شمرد و اعلام کرد: «اتباع ایرانی که از تبعه عثمانی زن میگیرند اولاد آنان نمی‌توانند از املاک مادر خودشان ارث ببرند و مالک شوند.» (گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی ۱۳۷۰: ۳ / ۲۳۱) همچنین دولت عثمانی به کارگزاران خود در عراق دستور داد در این زمینه تحقیق به عمل آید، که اتباع ایرانی که مادران آنها تبعه عثمانی هستند، فرزندان آنان نیز باید تابعیت عثمانی را داشته باشند. این مسئله اعتراض دولت ایران و علمای ایرانی مقیم عتبات را برانگیخت. زیرا بر اساس قانون مزبور، به جزء چند خانواده ایرانی، ایرانی دیگری در عراق باقی نمی ماند. بر اساس نوشته سرکنسول نجف در سال ۱۳۴۱ ه. ق / ۱۹۴۴ م بنا به اظهارات مقامات عراقی ششصد هزار نفر از ایرانیان مقیم نجف و چهارصد نفر از ایرانیان کوفه، بر اساس قانون جدید جزوه تبعه عثمانی محسوب میشده اند. (بایگانی مرکز اسناد و دیپلماسی وزارت امور خارجه ۱۳۴۱ ق، کارتن ۴۶، پرونده ۱۲)

بازتاب اجرای قوانین عثمانی در عراق بر وضعیت ... (ثریا شهبازی) ۱۹۳

بیشترین اعتراض دولت ایران به اجرای این قانون، مربوط به دسته تجار و زوار ایرانی بود که به قصد تجارت و زیارت به عتبات عالیات سفر کرده و ضرورتی برای قبول تابعیت عثمانی نداشتند. دولت ایران از این موضوع ناراحت شد و اعتراض کرد. در نامه ایی که ناصرالدین شاه به سال 1275 ه. ق/ 1858 م به فرخ خان سفیر ایران در استانبول نوشت، چنین اظهار داشت: «این رفتار عثمانی ها با ایرانیان، سادات، عالمان، و دیگران باعث آشوب در ایران شده و خواهد شد. بدیهی است ما طالب دوستی هستیم، می ترسیم اراده از دستمان خارج شود و ممکن است خلق با غیرت، خود دست به اقدام بزنند.» (امین الدوله 1341: 284) در این میان افرادی از تبعه عثمانی بودند که قبل از اجرای قانون نامه تاییعیت عثمانی، تابعیت دولت ایران را پذیرفته بودند. کارپردازی ایران در بغداد در گزارشی که در این خصوص به دولت ایران ارائه می دهد می نویسد:

کسانی که ادعای ایرانی بودن می کنند بر سه نوع هستند. نوع اول کسانی هستند که اصلاً تبعه عثمانی اندولی قبل از وضع شدن قانون تابعیت ایران را اختیار کرده اند. نوع دوم کسانی هستند که اصلاً ایرانی اند ولی از قدیم در خاک عثمانی اقامت دارند. نوع سوم کسانی هستند اصلاً ایرانی اند و برای تجارت و یا زیارت به خاک عثمانی آمد و رفت می کنند، آنهایی که از دو نوع اول اند باید درباره آنها دقت نمود، به این معنی که هر کس ایرانی است او عارضی است باید معلوم کرد که قبل از نشر قانون نامه تابعیت ایران داخل شده است یا بعد؟ (گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی 1375: 518-519)

به دنبال این شبهات، سفیر ایران در استانبول با نماینده گان عثمانی به مذاکره نشست. باب عالی به مجلس والا بغداد دستور تحقیق و بررسی داد. و پس از تحقیقاتی که صورت گرفت، آنچه که مربوط به تابعیت ایرانیان بود به شرح زیر اعلام شد:

کسانیکه در اصل تبعه عثمانی بوده و به تابعیت ایرانی در آمده اند، همچنین افرادی که تابعیت ایرانی بوده و به هر شیوه به تابعیت عثمانی در آمده اند، همگی یکجا در یک دفتر قید خواهند شد. در باره کسانیکه آمیخته شده اند، تابعیت، محل تولد و محل اقامت شان مشخص خواهد شد. (عربخانی: 1393، 144)

مسئله تابعیت و برخی از جنبه های مشکلات مربوط به آن در شهرهایی که تعداد ایرانیان در آن زیاد بود، شکل حادی به خود داشت. در کربلا چنان که کنسول ایران در این

شهر بعدها گزارش می‌دهد، ماموران عثمانی به دلایل مختلفی ایرانیان را تحت فشار قرار می‌دادند، تا آنها را به تابعیت عثمانی در آورند. وی اینگونه استدلال می‌کند که:

سابقاً در خصوص تشبثات مأمورین محلیه عراق عرب به اتباع دولت علیه ایران آنها را که مادر عرب قلمداد کرده در دفاتر نفوس خودشان قید و به تابعیت عثمانی داخل می‌کنند شرح مبسوطی عرض کرده ام حالا نیز عرض می‌کنم اگر اولیای امور توجهی در این باب نفرمایند در عرض چهار پنج سال دیگر اغلب اتباع ایران به تابعیت دولت داخل خواهند بود. (گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی 1370: 3 / 555)

اتباع ایرانی که تابعیت عثمانی را می‌پذیرفتند، می‌توانستند به طور رسمی در خاک عثمانی صاحب اموال و املاک شوند و اگر زن عثمانی اختیار می‌کردند دیگر برای اولاد آنها مشکلی از نظر اموال و املاک و نظام سربازی پیش نمی‌آمد. (بایگانی مرکز اسناد و دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران 1284 ق، کارتن 14، پرونده 8) اما در صورت عدم پذیرش تابعیت عثمانی کلیه اموال و املاک آنان از آنها گرفته می‌شد و حق خرید و فروش املاک از آنان سلب می‌شد. حتی اجازه نوسازی منازل و املاک دیگر، برایشان وجود نداشت. (قایا 2008: 262) به علاوه باید این نکته را افزود که در این ایام مدارس زیادی از سوی ایرانیان به ویژه علماء و افراد منتسب دولتی در نجف و کربلاء تاسیس شد. ساخت مدارس ایرانی در عتبات عالیات گذشته از اینکه موجب رونق فرهنگ ایرانی در عتبات می‌شد به رشد و توسعه زبان فارسی نیز در عراق کمک می‌کرد. در سال 1263 ه. ق / 1848 م یکی از امرای ایرانی به نام سیف الدوله، ساکن نجف طی درخواستی از نامق پاشاوالی بغداد خواست تا خانه خود را که از شخصی به نام میرزا یوسف هندی خریداری کرده راه تبدیل به مدرسه کند. والی بغداد با درایت تمام با این تقاضا مخالفت نمود. سیف الدوله در اعتراض به این تصمیم والی بغداد، از باب عالی تقاضای کمک نمود. اما تصمیم باب عالی همان خواست والی بغداد بود. به علاوه باب عالی از نامق پاشا خواست در برابر درخواست امرآ و شاهزاده گان ایرانی در ساخت مدارس پافشاری بیشتری نشان دهد. (BOA, A. MKT. UM, 110/46 s1263) گرچه دولت عثمانی با ساخت برخی مدارس از سوی علماء و مجتهدان رضایت نشان می‌داد. اما زمانی که دستور ساخت مدارس از سوی شاه و یا حکمرانان ایرانی صادر میشد، مخالفت نموده و آن را در راستای مقاصد سیاسی دولت ایران قلمداد می‌نمود. (BOA, I. Hr2211, lef: 1,4 L 12264) به دنبال این فضای ایجاد شده بود که در

بازتاب اجرای قوانین عثمانی در عراق بر وضعیت ... (ثریا شهسواری) ۱۹۵

سال ۱۲۷۱ه.ق/ ۱۸۵۴ حاکم نجف، ملا یوسف، از اقامت دائم ایرانیان در نجف ممانعت به عمل آورد. زیرا بسیاری از ایرانیان مقیم نجف منازل خود را به مدرسه تبدیل نموده بودند. هم‌چنین حکومت عثمانی با صدور فتاوی از ساخت مدارس شیعی جلودگیری کرد. چرا که از دید نماینده گان عثمانی در عراق، آموزش های این مدارس مخالف قوانین و موازین اسلامی است. (BOA, I.H.R 2211, 3 S 1264).

از دیدگاه دولت عثمانی ازدواج مردان ایرانی با زنان عثمانی و عدم قبول تابعیت و نیز مورد تملک آنان در عتبات عالیات باعث تقویت مالی ایرانیان شیعه در عراق عرب می شد. این مسئله در مورد افرادی که به لحاظ مالکیت و دارایی و یا از جهات سیاسی دارای موقعیت برتری بودند، بیشتر مورد حساسیت قرار می گرفت. به عنوان مثال، محمدحسن نجفی، مجتهد اعظم، مادرش عرب بود و تعدادی درخت خرما از مادرش به ارث برده بود، لذا وی الزاما به تابعیت عثمانی در آورده شد و به وی تذکره عثمانی داده شد. (Litvak 2000:231) در بیشتر موارد ماموران عثمانی اموال و املاک ایرانیان مقیم عتبات را پس از فوت ضبط کرده و مانع از دستبرد ورثه به آن اموال می شدند. این مسئله مدت ها مورد اعتراض اتباع ایران مقیم عتبات عالیات و کارگزاران ایرانی به دولت عثمانی بود. سرانجام به دنبال تلاش های سفیر ایران در استانبول، با انعقاد معاهده ای در سال ۱۲۹۰ه.ق/ ۱۸۷۳م میان دو کشور ایران و عثمانی، برخی از مشکلات اتباع ایرانی در عتبات عالیات مورد حل و فصل قرار گرفت. مطابق ماده دوم این معاهده، هرگاه اتباع ایرانی ساکن ممالک عثمانی بخواهند مانند اتباع عثمانی وارد صنعت و پیشه ایی گردند از تمامی نظامات و قوانین دولت عثمانی بهره مند خواهند شد. و در عین حال به ادای مالیاتی که اصناف عثمانی می پردازند مجبور خواهند شد. و در بند چهارم آن قرار داد تاکید شد:

در خصوص ترکه تبعه ایران که در ممالک عثمانی وفات می کنند چون اجرای تصاحب ترکه آنها و معاملات تحریریه و غیر آن به کارپردازان و وکیل کارپردازها راجع است، در صورتی که از جانب تبعه عثمانی در حق ترکه اقامه دعوی بشود در محاکم مجالس متعلقه به دعوا موافق نظام رسیدگی خواهد شد. در ماده یازدهم این مقاوله نامه قید شد؛ اگر از طرف دولت ایران خواسته شود که تبعه ایران از حقوق و تصرف املاک بهره مند شوند در این باب قرار نامه جداگانه ایی نوشته خواهد شد. و تا هنگام تنظیم قرار نامه مذکور کیفیت تصرف املاک بر منوال سابق خواهد بود. (گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی ۱۳۷۰: ۳/ ۲۶۱)

۳. ممنوعیت ازدواج اتباع ایرانی با عثمانی

حکومت عثمانی به واسطه تعصب مذهبی و ملاحظات سیاسی از قدیم الایام ازدواج زنان عثمانی با مردان ایرانی مخالف بود. (Serbestoglu 2012: 214) چنانچه در نظامنامه ای که باب عالی به سال 1238ه.ق/ 1822م به سفارت ایران در استانبول نوشت، اعلام کرد: «تفاوت شیعه و سنی، تفاوت مهمی است و ازدواج با زن و مردی که از این دو فرقه متفاوت باشند کاملاً قابل اعتراض است». و حتی بیان شد: «چنین ازدواجی نه تنها در دنیا بلکه در آخرت منجر به عذاب خواهد شد.» و براساس فرمان عالیه ممنوعیت ازدواج به این شکل اعلام شد: «جهل تغییر مذهب معظم اله تعالی و موجب خسران در د و عالم» تلقی می‌گردد. (Cag, ural, 2010 :60)

در قلمرو عثمانی اقلیت‌های غیر مسلمان زیادی اعم از مسیحی و یهودی زندگی می‌کردند و این قانون شامل آنان نمیشد. آنچه بدیهی است این فرمان صرفاً ازدواج با ایرانیان را ممنوع می‌کرد. و اعمال این قانون تمامی اتباع ایرانی در قلمرو عثمانی را شامل میشد. و تنها شامل اتباع ایرانی مقیم عتبات عالیات نبود، از آنجایی که تعداد ایرانیان ساکن در عتبات عالیات بیشتر بودند مشکلات ناشی از اعمال این قبیل قوانین عثمانی، آنان را بیشتر گرفتار میکرد. دولت عثمانی وانمود می‌کرد که در راستای یکپارچگی مذهبی و حفظ هویت اسلامی دست به چنین اقداماتی زده است. لکن موضوع مذهب نبود که دولت عثمانی را وادار به وضع چنین قوانینی میکرد، زیرا که تفاوت شیعه و سنی مدتها قبل از این تاریخ بود، آنچه مهم است اینکه پیگیری این موضوع بیش از آنکه یک عقیده مذهبی باشد، یک نگرانی سیاسی بود که دولت عثمانی را وادار به این قبیل اقدامات مینمود. در واقع موضوع هویت و ملیت دو عنصر اصلی تشکیل دهنده این قوانین بود. چرا که در سال‌های پایانی سده ی یاد شده مساله اصلی دیگر تفاوت مذهبی نبود بلکه این تفاوت، به موضوع تابعیت و ملیت تبدیل شد. زیرا که در پیش‌نویسی که در تکمیل این دستور در سالهای بعد از سوی باب عالی منتشر شد، تأکید بر زنان عثمانی که با ایرانی‌ها ازدواج کرده بودند و مساله اموال آن‌ها، روند جریان یاد شده را به سمت دیگری کشاند. (cag, ural 2010: 62) انتشار این نظامنامه سخت مورد اعتراض دولت ایران قرار گرفت و مدت‌های طولانی ما بین سفارت ایران در استانبول و باب

بازتاب اجرای قوانین عثمانی در عراق بر وضعیت ... (ثریا شهسواری) ۱۹۷

عالی مطرح و مذاکره و مخابره شد. سرانجام در ۱۳۰۵ه.ق. ۱۸۸۷م پس از یازده سال مذاکره و مکاتبه میان دو دولت ایران و عثمانی به پنج شرط این مسئله حل و قبول گردید:

۱. ازدواج زنان عثمانی با ایرانیها ممنوع باشد.
۲. اگر بلاخلاف ممنوعیت ازدواج واقع بشود به ایران تبعید شوند.
۳. اگر دوباره برگردند، اولاد آنها وقتی به سن بیست سال رسیدند داخل قرعه عسگری بشوند.
۴. این قرارداد به مولودات قبل از این تاریخ (۱۳۰۵ه.ق. / ۱۸۸۷م) شامل نباشد.
۵. ایرانیان متولدین از نسوان عثمانی قبل از این تاریخ (۱۳۰۵ه.ق. / ۱۸۷۷م) از خدمت عسگری معاف هستند.

(بایگانی مرکز اسناد و دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران ۱۳۳۷ ق، کارتن ۲، پرونده ۱۴)

تا زمانیکه قانون عسگری در امپراطوری عثمانی نشر نشده بود این مسئله چندان اسباب زحمت ایرانیها و سفارت ایران در استانبول نبود. ولی با انتشار قانون مزبور حکومت عثمانی اولاد ایرانیان متولدین از زنان عثمانی را تبعه خود شمرده و مکلف به خدمت سربازی نمودند. (بایگانی مرکز اسناد و دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران ۱۳۳۷ ق کارتن ۲، پرونده ۱۴) با وجود تمام تاکیدات و فشارهایی که از سوی دو دولت ایران و عثمانی در مورد اجرای ممنوعیت ازدواج داده می شد چنین ازدواج هایی همچنان صورت می گرفت. برای نمونه در سال ۱۳۰۹ه.ق. / ۱۸۹۰م می توانیم به ازدواج فاطمه دختر حاج ولی در روستای کاواک^۱ (KAVAK) با محمد کچل ایرانی و ازدواج زنی به نام آیشه از طایفه مهاجر با آقا یوسف چوب بر اشاره کنیم. (BOA, DH, MKT. 1408/62 S1309) هر دو ازدواج به صورت پنهانی صورت گرفت ولی وقتی موضوع مشخص شد از آن دو خواسته شد تا بر اساس مقررات آنچه را که لازم است انجام دهند. و در هر دو مورد زنان در صورتی که فرزندی داشته باشند فرزندان آنها به تابعیت ایرانی در می آیند و از هر گونه ارث از سوی مادر محروم خواهند بود. و نیز پس از آنکه به سن مکلف سربازی رسیدند، باید به خدمت سربازی روند. (BOA, DH, MV. 17/49, 22S 1309)

برخورد دولت عثمانی با این ممنوعیت در سال ۱۳۱۰ه.ق. / ۱۸۹۱م کاملاً تشدید شد. براساس اسناد موجود در بایگانی ترکیه هنگامیکه دولت عثمانی با وجود تدابیر اندیشیده شده نتوانست مانع ازدواج مردان ایرانی با زنان عثمانی گردد کوشید در رابطه با

فرزندان حاصل از این ازدواج‌ها احکام شدیدتری را وضع و اعمال کنند. استمرار این ازدواج‌ها حکومت را به این فکر انداخت که همگان را از وجود این قانون و جوانب و پیامدهای آن آگاه کنند. از این رو دستور داد تا ممنوعیت یاد شده از طریق مساجد به مردم اعلام شود به علاوه اعلام کنند، کدخدا و امام جمعه‌هایی که اجازه این ازدواج را بدهند به شدت مجازات خواهند شد. (BOA, DH.MKT. 27/1527,51,S 1310) به این ترتیب دولت چنین نتیجه گرفته بود که حتی اگر مردم به ممنوعیت ازدواج توجهی نداشته باشند با جلوگیری از عقد آنها این مسئله تا حد زیادی حل خواهد شد. (34/39,51 S1310) (BOA,Y.MTV).

علی رغم تلاشهای وزارت امور خارجه ایران در برداشتن قانون منع ازدواج از سوی دولت عثمانی، این قانون به قوت خود همچنان باقی ماند. تا آنکه در اواخر حیات حکومت سلطان عبدالحمید و اجرای طرح وحدت اسلامی، شیخ رئیس قاجار که از مدافعان و مبلغان اتحاد اسلام بود در پیشنهادهایی که برای کاهش ناهمسازی میان مسلمین ارائه داد، در یکی از آن موارد پیشنهاد داد، دستور منع ازدواج اتباع عثمانی و ایرانی لغو شود. (رئیس نیا 1363: 2 / 755-756) بنا به نوشته ابراهیم صفایی، پیشنهاد شیخ رئیس مورد تأیید سلطان عبدالحمید قرار گرفت. (صفایی 1352: 1 / 573) و قانون منع ازدواج در مورد اتباع ایرانی با زنان عثمانی برداشته شد. با این حال تا اواخر دوره قاجاریه و سقوط دولت عثمانی زنان عثمانی با مردان ایرانی به طور مخفیانه ازدواج می‌کردند. که بررسی این موارد بیان‌گر بی‌توجهی عامه مردم به قوانین پر فشار دولت عثمانی بود.

۴. خدمت سربازی

انحلال ینی چری هادر 1242ه.ق / 1826م باعث اختلال نظام امنیتی در ایالت‌های عثمانی شد. دولت عثمانی برای جبران این کمبود، فکر توسعه و گسترش قوای نظامی، مانند آنچه پیش از این در استانبول وجود داشت افتاد. سپس ارگان بازرسی با هدف گسترش و توسعه امور بازرسی نظامی به وجود آمد. وعده‌ای از روشنفکران و دولت‌مردان عثمانی برای لایحه اصلاحی جهت برقراری امنیت به کار گرفته شدند. (لوئیس 1373: 115-117) بعد از ایجاد لوایح اصلاحاتی، «نیروی نظمیه» در سال 1261ه.ق / 1845م به جهت تأمین امنیت استانبول تأسیس شد. نظمیه در این برهه مسئول تأمین امنیت پایتخت بود.

اما بعد از مدتی وجود چنین نیرویی به ایالت‌ها نیز اشاعه پیدا کرد. دولت عثمانی در اجرای اصلاح قوای نظامی از ارتش‌های فرانسه و روس‌یه گرتنه برداری کرد. (koray 1991:79) نام‌نویسی در نظام وظیفه باب شد و دوره‌ی آن به پنج‌الی هفت سال کاهش پیدا کرد. یگان ویژه نظامی تشکیل شد. ارتش ویژه یا خاص، ارتش استانبول، ارتش روملی، ارتش آناتولی، ارتش سرزمینهای عرب. (Sirin2000: 65) ارتش سرزمینهای عرب بعدها با نام ارتش ششم شناخته شد، بغداد و دیگر مناطق تابعه تحت نظر این ارتش قرار گرفت. پس از اقدامات اصلاحی در سال 1263ه.ق / 1848 حکومت عثمانی دستور داد که اداره امور مدنی و نظامی سرزمینهای عثمانی یکپارچه شود. و سرپرستی ولایات و فرماندهی ارتش را یک نفر برعهده گیرد. نامق پاشا ارتشید عراق و حجاز، اولین کسی بود که بعد از یک‌پارچه‌سازی امور مدنی و نظامی به والیگری بغداد انتخاب شد. او در اقدامی علاوه بر نیروهای نظامی ارتش همایونی عراق و حجاز و شهرهای مقدس عراق و نیروی انتظامی که مسئول امنیت بخشی در منطقه بودند را تشکیل داد. سپس تعداد کافی از سواره نظام و پیاده نظام‌های نیروی انتظامی جهت تامین امنیت بخش‌های حکومتی استفاده شد. (findikli1999: 299) بر اساس اطلاعات ثبت شده تعداد سواره نظام در کربلا به سال 1278ه.ق / 1862م ، 136تن بود و تعداد نیروهای امنیتی در نجف به 35تن می‌رسید. (BOA,M,MSF,1271/10580 Ra1278) با این حال شهرهای مقدس عراق همواره از کمی تعداد سربازان نظامی تحت فشار بود. گرچه این مشکل شامل تمام ایالت بغداد می‌شد و دلیل آن اجبار نکردن مردم و عشایر به نظام سربازی تا سال 1279ه.ق / 1863م بود. (همزلی لانگریک 1376: ۶۲)

در پی انجام اصلاحات در ایالت بغداد، بر اساس قانون اصلاحات عثمانی، مقرر شد همه افرادی که در سرزمین‌های عثمانی زندگی می‌کردند باید به خدمت سربازی می‌رفتند. این تصمیم به جهت اجرای مساوات و برابری میان شهروندان در برابر قانون و دولت حاکم گرفته شد. (Cag,ural 2010: 60) بدین ترتیب تلاش‌هایی برای اجرای قانون عسگری در شهرهای مقدس عراق آغاز شد. در ابتدا اقداماتی که در جهت طرح ثبت نام نظام وظیفه در سال 1275ه.ق / 1859م در شهرهای مقدس عراق صورت گرفت با موفقیت چندانی روبه‌رو نشد. زیرا مردم شهرهای مقدس عراق از سیاست‌های پرفشار دولت عثمانی در انجام اصلاحات در عتبات عالیات راضی نبودند. به ویژه مردم کربلا هنوز از خسارت وارد شده بر آن شهر در جریان حمله نجیب پاشا و کشتار شیعیان در حال جبران

خسارت بودند. اجرای قانون عسگری در عتبات با اصلاحات مدحت پاشا در ایالت بغداد شکل جدی به خود گرفت، مدحت پاشا توانست این طرح را در ایالت بغداد به خوبی اجرا کند. (قایا ۲۰۰۸: ۳۱۸) اما در شهرهای مقدس به دلیل ساختار اجتماعی - مذهبی این شهرها در جمع آوری سربازان از طریق ثبت نام مردم این مناطق به موفقیت چندانی نتوانست دست یابد. نود درصد مردم کربلا شیعه ایرانی بودند و بیشتر ساکنان آن آنقدر فقیر بودند که از راه صدقات زائران عتبات امرار معاش می کردند. گروه دیگر جمعیت شهرهای مقدس را طلاب و علما تشکیل می دادند که بایستی در این طرح ثبت نام می کردند. در این میان جمعی از مجتهدین نجف و کربلا تلگرافی به والی بغداد فرستادند و در آن خواستار عفو ایرانیان و طلاب و معلمین و خادمین عتبات از خدمت سربازی شدند. (BOA,ML.MSF 8867/69,Ra 1265) اما بر اساس جواب والی بغداد، هیچ کدام از ایرانیان مقیم عتبات از خدمت سربازی معاف نخواهند شد. در این هنگام علما و مجتهدین عتبات متحد شده و مصممانه خواستار عفو طلاب و معلمین حوزه های علمیه و خادمان عتبات عالیات از خدمت سربازی شدند. والی بغداد طبق دستور باب عالی در برابر درخواست علما و مجتهدین اعلام کرد: «هر کس واقعا در عمل در حال خدمت رسانی در عتبات عالیات می باشد، از خدمت نظام سربازی معاف است.» (BOA,A,MK.MHM 13/25,11 S 1275)

در این میان برخی از اتباع ایرانی برای آنکه از نظام سربازی معاف شوند به طور داوطلبانه مشغول خدمت در امکان متبرکه شدند. باب عالی از والی بغداد خواست اسامی تمام خادمان عتبات به همراه کارها و وظایفشان را در امکان مقدسه ثبت و به شورای مخصوصی که به این دلیل تشکیل شده بود، ارسال نماید. و به والی بغداد تاکید می کند که با نهایت دقت به جمع آوری اطلاعات بپردازد. (BOA,Ayniyat Defteri ,M,851/54,23 S 1286) اما ثبت نام ایرانیان مقیم عتبات عالیات و مخالفت آنان با این طرح، مدت زمان طولانی مناقشه برانگیز شد. کارپردازان ایران در بغداد تلاش های زیادی جهت معافیت ایرانیان از این طرح انجام دادند. احتشام السلطنه در خاطرات خود می نویسد: «در زمان ماموریت وی در بغداد، شدت عمل ماموران عثمانی در اجرای این طرح به اندازه ای تند بود که جمع کثیری از ایرانیان مقیم عتبات عالیات به علت تعقیب نظامیان عثمانی جرأت بیرون آمدن و اشتغال به کار و کسب نداشتند.» (احتشام السلطنه ۱۳۶۶ : ۲۶۳) بر اثر تلاش های این کارپرداز اتباع ایرانی که دارای سوابق و شناسنامه ایرانی بودند از خدمت

سربازی معاف شدند. اما دولت عثمانی براساس نظامنامه ای که در سال 1291ه.ق/ 1874م منتشر کرد، تمامی اولاد ذکور که از ازدواج زن ان عثمانی با مردان ایرانی متولد می شوند در مکلفیت به خدمت عسگری، عسگر خواهند شد. زیرا تبعه عثمانی محسوب می شوند، مگر آنکه تغییر تابعیت دهد. (گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی 1370: 277/3) این امر سبب اعتراض گسترده علمای عتبات و عوامل دولت ایران شد. اعتراض دولت ایران بر این قانون عثمانی در این بود که اتباع ایرانی مقیم عتبات، اگر چه در سرزمینهای عثمانی زندگی می کنند ولی تابع دولت ایران هستند. تلاش های سفیر ایران در استانبول و کارپرداز ایران در بغداد در ممانعت دولت عثمانی از اجرای قانون سربازی در مورد ایرانیان به نتیجه مناسبی نرسید. اما این مسئله به شکل دیگر برای دولت عثمانی موجب ایجاد مشکل شد. حکمرانان عثمانی از تاثیر سربازان شیعه بر سربازان سنی در ارتش نگران شدند. در دورانی که نفوذ ایرانیان شیعه در عتبات عالیات گسترش روز افزونی داشت، این احساس خطر افزایش یافت. (ctinsaya2006:108) تلاشهایی از سوی سلطان عبدالحمید دوم در جهت دفع این خطر صورت گرفت و ارتش ششم که در سال 1313ه.ق/ 1895م جایگزین ارتش عراق و حجاز شد، تصمیم گرفت شیعیانی را که در خدمت نظام بودند را آموزش سنی دهند. (قایا 2008: 321) دیگر آنکه طرحی را بر مبنای جابجایی تعداد عظیم سربازان شیعه ارتش ششم با سربازان ارتش چهارم^۲ پایه ریزی کرد. به این ترتیب تعداد شیعیان و خطر سیطره آنان بر ارتش کاهش می یافت. و از سوی دیگر احتمال شیعه شدن سربازان سنی نیز کم میشد. (ctinsaya2006:108) این طرح برای دولت عثمانی به راحتی امکان اجرا نداشت، چرا که سربازان شیعه برای اینکه در شهرهای محل سکونتشان به سربازی گرفته نشوند و از خدمت سربازی معاف شوند، تلاش بسیاری کرده بودند. سربازان شیعه براساس این طرح جابجایی که می بایست بر اساس آن به ارتش چهارم واقع در خربوت^۳ (xarpt) که دور از محل زندگیشان بود ملحق شوند، حتما مخالفت میکردند. ((BOA, Yildiz Mutenevvi Maruzat Evraki(Y.MTV)51/24, Lef:2, 1308; Y.MTV 54/82, 22 S1309) به این ترتیب نظام اجباری دولت عثمانی در ایالت بغداد نتوانست با موفقیت اجرا شود. به علاوه حضور سربازان شیعه در ارتش عثمانی خطر گسترش تشیع را در ارتش عثمانی بیشتر کرد. از سوی دیگر در تابعیت برخی از اتباع عرب عثمانی نیز تهدید ایجاد کرد. زیرا بر اثر فشار ماموران عثمانی در رفتن به خدمت سربازی، بسیاری از خانواده های عرب و یا برخی خانواده های ایرانی که سه تا پنج نسل قبلشان ایرانی بوده و

به تدریج عرب شده بودند، برای آنکه به سربازی نروند شناسنامه ایرانی گرفتند. و دولت ایران هم البته با افتخار برای تقویت جماعت ایرانی در عراق عرب به صدور شناسنامه برای این افراد اقدام می‌کرد. درباره‌ی خاندان خالصی گفته شده است که اینان با اینکه عراقی بودند برای گریز از سربازی اجباری که دولت عثمانی بر اتباعش تحمیل می‌کرد، شناسنامه ایرانی گرفتند. (قایا، ۲۰۰۸: ۲۲۹)

۵. نتیجه‌گیری

تنظیم مناسبات ایران و عثمانی در عراق، طی قرن نوزدهم یکی از پیچیده‌ترین مسائل در روابط دیپلماتیک میان دو کشور ایران و عثمانی بود. بعد از انعقاد عهد نامه ارزروم دوم (۱۲۶۳ ه.ق/۱۸۴۷ م) و ایجاد صلح پایدار میان د و کشور، رفت و آمد ایرانیان به شهرهای مقدس عراق، بیشتر شد. به علاوه به دلیل مشکلات اقتصادی و سیاسی در ایران، عده زیادی از ایرانیان به شهرهای مقدس عراق مهاجرت کردند. به این ترتیب تعداد ایرانیان مقیم عتبات عالیات افزوده شد. و عتبات عالیات بافت کاملاً ایرانی - شیعی به خود گرفت. تلاش برای محدود کردن توسعه نفوذ ایرانیان در شهرهای مقدس عراق، یکی از سیاست‌های اصلی دربار استانبول در عراق طی قرن نوزدهم بود. به طور کلی نمایندگان باب عالی در عراق با تصور بر اینکه دولت ایران در پشت صحنه فعالیت‌های مذهبی، فرهنگی، تجاری شیعیان در عراق قرار دارد. و عدم نظارت بر فعالیت‌های ایرانیان در عراق موجب قدرتمندتر شدن هویت ایرانی - شیعی در این بخش از قلمرو و تحت حاکمیت عثمانی خواهد شد. هیچگاه نظر مساعدی به حضور ایرانیان در عراق و شهرهای مقدس عراق نداشتند. و حضور ایرانیان در عراق را به نوعی تهدید امنیتی در این بخش از قلمرو تحت حاکمیت خود قلمداد می‌کردند. اجرای قوانینی چون پذیرش تابعیت عثمانی از سوی اتباع ایرانی و ممنوعیت ازدواج ایرانیان با عثمانیها و قانون نظام سربازی اجباری در راستای این تصورات صورت گرفت. دولت عثمانی گرچه در ظاهر وانمود می‌کرد که برای محافظت از هویت اسلامی و یکپارچگی مذهبی، ناگزیر است در سرزمینهای تحت قلمروش قوانین واحد و متمرکز اجراء کند. لکن آنچه که اسناد و منابع آرشیوی نشان می‌دهد این موضوع یک نگرانی سیاسی بود، تا بحران مذهبی. اگرچه پس از مدت‌ها مذاکرات میان نمایندگان دولتین توافقاتی نیز حاصل شد. لکن بافت ناهمگون ترکیب جمعیتی شهرهای

بازتاب اجرای قوانین عثمانی در عراق بر وضعیت ... (ثریا شهبواری) ۲۰۳

مقدس عراق از دوجنبه مذهبی و قومیتی و سوء مدیریت و رفتارهای غیر عادلانه نمایندگان عثمانی در اجرای قوانین اعمال شده از سوی دربار استانبول، موجب شده که دولت عثمانی در پیش برد اهداف خود در رابطه با اتباع ایرانی ساکن در شهرهای مقدس توفیق لازم را بدست نیاورد.

پی‌نوشت‌ها

۱. روستای کاواک در استان سامسون، در قسمت شمالی ترکیه امروزی واقع است.

۲. ارتش چهارم، ارتش سرزمینهای آناتولی بود.

۳. استان الازیغ یا خرپوت در ناحیه شرقی آناتولی قرار دارد.

کتاب‌نامه

آدمیت، فریدون (1351) اندیشه ترقی و حکومت قانون، عصر سپهسالار، تهران: خوارزمی.

احتشام السلطنه (6631) خاطرات احتشام السلطنه، به کوشش سید مهدی موسوی، تهران: زواره.

اسناد سلطانی (اسناد آرشیوی عثمانی درباره ایران (۱۳۸۸) 2 جلد در 1 مجلد، به کوشش سیدعلی موجانی، محمد علی کاظم بیگی، علی ارغون چنار، قم: انتشارات کتاب‌خانه بزرگ آیت الله مرعشی نجفی.

اوبن، ژان (1362) ایران امروز (1906-1907م) ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران: زوار.

امین الدوله، میرزا علی خان (1431) خاطرات سیاسی میرزا علی خان، تصحیح حافظ فرمانفرمائی، تهران: امیر کبیر.

عربخانی، رسول (1393) عتبات عالیات در روابط ایران و عثمانی قرن نوزدهم (با تاکید بر عصر عبدالحمید دوم)، قم: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی.

قایا، دیلک (2008) کربلا فی الارشیف العثماني (1840-1876م) ترجمه عن التریکه حازم سعید متصرو مصطفی زهران، قاهره: المدار العربیه للموسوعات.

رئیس‌نیا، رحیم (1368) ایران و عثمانی در آستانه قرن بیستم، 2 جلد، تبریز: ستوده.

صفایی، ابراهیم (1352) اسناد سیاسی دوران قاجاریه، چاپ دوم، تهران: چاپخانه رشدیه.

گزیده اسنادسیاسی ایران و عثمانی (۱۳۷۰) به کوشش محمد حسن کاووسی عراقی، مجلدات 3 و 4، تهران: واحد نشر اسناد دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

۲۰۴ پژوهش‌نامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی، سال ۱۰، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۰

گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی (۱۳۷۵) به کوشش محمد حسن کاوسی عراقی، جلد 7، تهران: واحد نشر اسناد دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

لوئیس، برنارد (۱۳۷۳) ظهور ترکیه نوین، ترجمه محسن علی سبحانی، تهران: ناشر مترجم.
همزلی لانگریک، استیون (۱۳۷۶) تاریخ سیاسی، اجتماعی و اقتصادی عراق (1900-1950) ترجمه علی درویشی مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

منابع آرشیوی

الف. مرکز اسناد و دیپلماسی وزارت امور خارجه

بایگانی مرکز اسناد تاریخی وزارت امور خارجه ایران 1331ه.ق، کارتن 21، پرونده 20

بایگانی مرکز اسناد تاریخی وزارت امور خارجه ایران 1301 ش، کارتن، 25، پرونده 2

بایگانی مرکز اسناد تاریخی وزارت امور خارجه ایران 1302 ش، کارتن 17، پرونده 20

بایگانی مرکز اسناد تاریخی وزارت امور خارجه ایران 1341ق، کارتن 46، پرونده 12

بایگانی مرکز اسناد تاریخی وزارت امور خارجه ایران 1284 ق، کارتن 14، پرونده 8

بایگانی مرکز اسناد تاریخی وزارت امور خارجه ایران 1337 ق، کارتن 2، پرونده 14

ب. آرشیو نخست وزیری عثمانی (Osmanlı Başbakanlık Arşivi)

BOA,A.AMK,UM

BOA,M,ML,MSF

BOA,DH.MKT

BOA, MV

BOA,I.HR

BOA,Y.MTV

BOA,Ayniyat Defteri

BOA,Yildiz Mutenevvi Maruzat Evraki

روزنامه حبل‌المتین (۱۳۲۹) سال پانزدهم، شماره ۵۲

Cetinsaya, Gokhon (2006) ottoman adminstration of Iraq 1890- 1908, Newyork:

Rout ledge.

Cog , Galip, ural, selcuk (2010) " osmanil- Iran ilikleri ve osmanli modernlesme cabalari baglaminda osmonli kadininin iran lilarla " , international social research volume: 3.Issue: 13, woman studies (special Issue).

Findikli,Remzi (1999) "Osmanli Devleti,nde Gunvenlik ve Polis",Osmanli,Ankara .

Koray,Enver,(1991)Turkiye nin Cagdaslasmasma Tanzimat,Istanbul .

بازتاب اجرای قوانین عثمانی در عراق بر وضعیت ... (ثریا شہسواری) ۲۰۵

Litvak, meir (2000). " The finances of the ulama communities of najaf an karbala 1796-1904" De welt des Islams, new saries vol 40, Issue 1. (Published by: Brill.

Stable URL: <http://www.Jstor.Org> .

Sirin,Veli(2000),Asakr-i Mansure-I Ordu ve seraskerlik, Istanbul 2000.

Serbestoglu, Ibrahim (2012) " votekt pers pek tifiyle osmanil kadininin iran lilarta evlenme yassagi" the journal of international social research volume: 5 Issue: 20, winter.